حضرت امیر المومنین(ع):

مبادا دشمنان خدا را دوست بداری یا دوستی خود را برای غیر دوستان خدا خالص گردانی، زیرا هر کسی گروهی را دوست بدارد، با آنان محشور می‌شود.

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی
صاحب‌امتیاز و مدیرمسؤول: محمد آخوندی
مدیرعامل: رضا شکیبایی
سردبیر: سید عابدین نورالدینی
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲ تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۳ نمابر: ۶۶۴۱۴۱۳۷
پیامرسان: vatanemrooz@ پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir
چاپ: موسسه جام‌جم برتر برنا توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰
وطن امروز

بررسی وضعیت امروز دوبله ایران به بهانه درگذشت ایرج رضایی و منوچهر والی‌زاده، آیا نسل‌های بعد هم دوبلورهای خاطره‌انگیز خواهند داشت؟

در جست‌وجوی صدای از دست رفته

میلاد جلیل‌زاده

تقریباً می‌شود گفت سینما در ایـران با هنر دوبله بود که به راه افتاد. شاید این حرف عجیب به نظر برسـد اما حقیقت دارد. سـینمای ایران تا دهه ۲۰ قرن گذشته شمسی، مواردی از تولید فیلم صامت و پس از آن چند مورد فیلم ناطق را در تاریخچه‌اش ثبت کرده بود. این اما نمی‌توانست به معنای جا افتادن فرآیند فیلم‌سـازی در ایران باشد. سینمای ایران در حقیقت از سال ۱۳۲۸ بـه ایـن طرف کار خودش را به طور جدی آغاز کرد و بنیانگذار این جریان اسماعیل کوشان بود. شاید امروز خیلی‌ها سبک کار کوشان را نپسندند و آن آثار عامه‌پسند گیشه‌ای را دوست نداشته باشند که البته برخی دلایل چنین افرادی برای دیدگاه‌شان قابل توجه است؛ اما در واقع با همان نوع فیلم‌ها، بالاخره اتفاقی که رخ داد، حرفه‌ای شـدن و جدی شدن کار سینما در ایران بود. نکته اینجاست که اسماعیل کوشان ابتدا کارش را با تأسیس یک استودیو دوبله شروع کرد و بعد کم‌کم به سمت تولید فیلم رفت. او سال ۱۳۲۵ یعنی فقط ۱۵ سال بعد از پدید آمدن تکنولوژی دوبله در سایر نقاط دنیا، فیلم فرانسوی «دختر فراری» را دوبله کرد و به عبارتی بنیانگذار فیلم دیدن به زبان فارسی در ایران شد. استقبال مخاطبان ایرانی از فیلمی که به زبان فارسی پخش می‌شد، در ادامه باعث ایجاد وسوسه‌هایی برای تولید آثار فارسی‌زبان شد و البته فیلم‌های فارسی‌زبان هم باید دوبله می‌شـدند و از آنجا که تکنولوژی ضبط صدای سر صحنه، دهه‌ها طول کشید تا به ایران آمد، دوبله فارسی فیلم‌های ایرانی، دامنه بخشی از مباحث زیبایی‌شناختی سینمای ایران را به خود اختصاص می‌داد. مثلا مرحوم علی حاتمی حتی پس از اینکه صدابرداری سر صحنه کاملا در ایران فراگیر شده بود، هنوز اعتقاد داشت فیلم‌ها باید دوبله شوند چون صدای دوبلور چیز جدیدی به دیالوگ‌ها اضافه می‌کند. یا حسن هدایت که کارگردان فیلم‌هایی مثل «گرند سـینما» و سریال ماندگاری مثل «کارآگاه علوی» بود، در فضایی که فیلم‌ها دوبله می‌شدند خیلی بهتر می‌توانست کار کند و پس از آن دیگر به درخشش روزهای اوج کاری‌اش برنگشت.

در کل کار دوبله در ایران بسیار جدی گرفته شد و مخاطبان هـم علاقه زیـادی به آن پیدا کردند؛ طـوری که دوبلورهای حرفه‌ای و پرکار ایرانی به خاطره جمعی چند نسل از ایرانیان تبدیل شدند و صدای آنها ضمیمه خیلی از فیلم‌های خارجی و بخشی از درخشش اجرای بازیگران در فیلم‌های ایرانی شد. هنوز زنگ اهورایی بسیاری از دوبله‌های موفق یا لطافت خواستنی و دوست‌داشتنی بعضی صداهای روان و اینجایی گوینده‌های قدیمی ما، در روزگار نو هم توسط علاقه‌مندان سینما و تلویزیون یادآوری می‌شود اما آیا دوبله ایران در امروز هم همان مقبولیت و اساساً همان کارکرد قدیم را دارد؟

در این روزها که خبر فوت استاد ایرج رضایی در ۸۹ سالگی و به فاصله ۳-۲ روز خبر درگذشت استاد منوچهر والی‌زاده در ۸۴ سالگی منتشر شد، خیلی‌ها دوباره یاد صدای آنها و خاطراتی که با این صداها داشتند افتادند اما ممکن است از خودمان این را هم پرسیده باشیم که این افراد به واقع چند سال است کار نمی‌کنند؟ آیا در این سال‌ها که ایرج رضایی، منوچهر والی‌زاده و افرادی از نسل آنها کم‌کار شده‌اند، ما متوجه فاصله‌ای که دوبله امروزمان نسبت به سال‌های اوج فعالیتش پیدا کرده، شده‌ایم؟ هر از چند گاهی صاحب یکی از این صداهای ماندگار از دنیا می‌رود و به این بهانه به یاد آوای او و جاهایی که به جای این و آن در فیلم‌های ایرانی و خارجی سخن گفته بود می‌افتیم؛ اما آیا نسل‌های بعد هم دوبلورهایی خواهند داشت که اینقدر برای‌شان خاطره‌ساز باشند و حتی اگر یکی‌دو دهه کار نکرده بودند، صدای‌شان همچنان به یاد بیاید؟ مرحوم ایرج رضایی غیر از فیلم‌ها و سریال‌های خارجی در بسیاری از آثار ایرانی، از «جنگ اطهر» گرفته تا «دیده‌بان» و «پوتین» و «بلندی‌های صفر» سرپرست گویندگان بود. او شعر هم می‌گفت و فیلمنامه هم می‌نوشـت؛ از جمله «بهار در بهار» به کارگردانی مهدی فخیم‌زاده که سال ۶۶ جلوی دوربین رفت.

مرحوم والی‌زاده هم غیر از صداپیشگی برای بازیگرانی مثل تام هنکس، جان تراولتا، تام کروز، هریسـون فورد، نیکلاس کیج، جیسون استاتهام، جیم کری، ویل اسمیت، ادی مورفی، رابرت واگنر و الویس پریسلی و انیمیشن محبوبی مثل لوک خوش‌شانس، هم سابقه اجرا داشت و هم حداقل در ۲۶ فیلم سینمایی بازی کرده بود.

خیلی از دوبلورهای قدیم چنین بودند. یعنی فقط جلوی میکروفن نمی‌نشستند تا به جای بازیگران دیگر لب بزنند، بلکه هنرمند تمام و کمال بودند و کار را در مرحله دوبله خلق مجدد می‌کردند، درباره‌اش ایده داشتند، حس داشتند، تعصب داشتند. دوبله ایران از آن روز تا به حال چه مسیری را طی کرده که به وضعیت امروز رسیده؟ بد نیست کمی به این موضوع فکر کنیم و درباره‌اش حرف بزنیم.

تاریخچه دوبله در ایران و تحولات آن تا به امروز، موضوعی پر از جزئیات است که نشان‌دهنده مسیر پرپیچ‌وخم این صنعت در طول دهه‌هاست و خیلی از زیر و بم‌های کار هنری در ایران را با توجه به آنچه از سر هنر دوبله گذشته می‌توان بهتر درک کرد. در ادامه به بررسـی تاریخچه دوبلـه ایران، تحولات آن، چالش‌ها و فرصت‌ها، و مسیری که این صنعت تا به امروز طی کرده، پرداخته شده است.

■ فرصت‌ها و تهدیدها

دوبله در ایران از دهه ۱۳۲۰ شمسـی و با ورود فیلم‌های خارجی به سـینماهای کشور آغاز شد. تا آن زمان، فیلم‌های خارجی بدون دوبله و با توضیحات یک نفر که در سالن سینما کنار پرده می‌ایستاد نمایش داده می‌شدند اما به‌تدریج، با افزایش تقاضای مخاطبان برای درک بهتر فیلم‌ها، نیاز به دوبله احساس شد. نخستین فیلم‌های دوبله‌شده در ایران، بیشتر از زبان‌های فرانسوی و انگلیسی به فارسی برگردان می‌شدند. این کار ابتدا به صورت آماتور و با امکانات محدود انجام می‌شد تا اینکه در دهه ۱۳۳۰، نخستین استودیوهای دوبله در ایران تأسیس شدند. این استودیوها با استفاده از تجهیزات ابتدایی، شروع به دوبله فیلم‌های خارجی کردند و رفته‌رفته توسعه ساخت فیلم‌های ایرانـی هم بازار آنها را گرم‌تر کرد، چراکه فیلم‌های ایرانی هم باید دوبله می‌شدند.

دهه‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۷۰ شمسی را می‌توان دوران طلایی دوبله در ایران دانست. در این دوره، دوبله به یک صنعت حرفه‌ای تبدیل شـد و کیفیت کار به طور چشمگیری افزایش یافت. استودیوهایی مثل «دوبلاژ فیلم»، «دوبلاژ سینمایی» و «دوبلاژ تهران» در همین دوره به مراکز اصلی چنین فعالیت‌هایی تبدیل شدند و همین استودیوها با جذب دوبلورهای حرفه‌ای، کیفیت این صنعت را به سـطح بالایی رساندند. به‌علاوه در این دوره، بسیاری از فیلم‌ها و سریال‌های خارجی مثل «زیبای خفته»، «بینوایان» و سریال‌های ژاپنی با دوبله‌های بسیار باکیفیت به مخاطبان عرضه شـدند و دوبلورهای مشهوری از قبیل احمد رسـول‌زاده، علی همت‌مطلق، ژرژ پطرسی، ناصر طهماسب و منوچهر اسماعیلی که به چهره‌های شاخص این صنعت تبدیل شدند، متعلق به همین دوران هستند. پس از انقلاب اسلامی، دوبلـه در ایران با تغییرات زیادی مواجه شـد. سیاسـت‌های فرهنگی جدید و محدودیت‌های وارداتی، تأثیر مستقیمی بر این صنعت گذاشتند.

با محدودیت‌های وارداتی، دوبله فیلم‌ها و سریال‌های خارجی کاهش یافت و تمرکز بیشتر روی تولیدات داخلی و دوبله آثار مناسـب با ارزش‌های فرهنگی جدید قرار گرفت. در آن دوره، دوبله انیمیشـن‌های خارجی مانند کارتون‌های والت دیزنی و سـریال‌های ژاپنی (مانند «کاپیتان سوباسا» و «ماجراهای هاکلبری فین») به یکی از بخش‌های پررونق دوبله تبدیل شد و واحد دوبلاژ صداوسیما نقشی محوری در این خصوص پیدا کرد. البته دوبلورهای ما با توجه به اینکه به فضای فیلم‌های هالیوودی عادت داشتند، تا مدتی با سبک بازی و صداسازی آثار شرقی به راحتی کنار نمی‌آمدند که این هم به مرور جا افتاد. از دهه ۸۰ به این سو یک سری استودیوهای خصوصی وارد کار دوبله شدند که بعضی از آنها زیرزمینی بودند. ورود دوبله ایران به این مرحله باعث افول آن شد. در دهه‌های اخیر، دوبله در ایران با چالش‌ها و فرصت‌های جدیدی مواجه شـده است. گسترش فناوری‌های دیجیتال و تغییر در عادات مخاطبان، تأثیر عمیقی بر این صنعت گذاشـته اسـت که ۲ مورد از این متغیرها را با تاثیرات کاملا متناقض‌شان باید در نظر گرفت. از طرفی پیشرفت این تکنولوژی‌ها منجر به رقابت دوبله با زیرنویس شده است. با گسترش پلتفرم‌های استریمینگ مانند نتفلیکس و آمازون، تعداد آثار خارجی که به دست مخاطبان ایرانی می‌رسد، افزایش چشمگیری پیدا کرده و بسیاری از مخاطبان ترجیح می‌دهند به جای دوبله، از زیرنویس استفاده کنند. این وضعیت جهانی است اما دامنه آن به ایران هم رسیده و می‌تواند باعث کاهش تقاضا برای دوبله شود. تاثیر دوم تکنولوژی کاملا عکس مورد اول است و از آنجا که این وضعیت می‌تواند باعث افزایش تولید محتوای داخلی شـود، ممکن است بتواند روی گسترش کار دوبله هم تاثیراتی بگذارد. با افزایش تولید فیلم‌ها و سریال‌های داخلی در حوزه انیمیشن، فرصت‌های جدیدی برای دوبلورها و استودیوهای حرفه‌ای دوبله ایجاد می‌شود. درباره انیمیشن‌های سـینمایی می‌توان گفت در بهترین حالت تعدادشان از ۳ یا ۴ فیلم در سـال تجاوز نمی‌کند و خیلی اوقات هنرپیشه‌های مشهور سینما به جای شخصیت‌های کار صحبت می‌کنند اما انیمیشـن‌های تلویزیونی، هم پرتعدادتر هستند و هم در آنها بیشتر از دوبلورها استفاده می‌شود.

به طور کل می‌توان چالش‌ها و فرصت‌های امروز دوبله در ایران را طوری تقسـیم‌بندی کـرد که هر کدام ذیل ۴ عنوان خلاصه شـده باشند. چالش‌ها عبارتند از: ۱- کمبود بودجه و حمایت مالی ۲- رقابت با زیرنویس، ۳- کمبود نیروی متخصص و ۴- تغییر در عادات مخاطبان.

اما فرصت‌هایی که در وضعیت فعلی پیش رو هستند، عبارتند از: ۱- تولید محتوای انیمیشن داخلی، ۲- صادرات دوبله‌های فارسـی، ۳- اسـتفاده از تکنولوژی‌های جدیـد و ۴- آموزش نیروهای جوان.

دوبله ایران کارش را به صورت آماتور شروع کرد اما رفته‌رفته حرفه‌ای شد و در میانه‌های دهه ۸۰ که افول دوبله ایرانی داشت شروع می‌شد، مجدداً به سمت کارهای آماتور برگشت. به لحاظ حمایت از دوبله آثار هم از دهه‌های ۵۰ تا اوایل دهه ۸۰ که دوره طلایی دوبله ایران بود، به ۲ بخش تقسیم می‌شود. در بخشی از این دوره، کار توسط استودیوهای خصوصی پیش رفت و بخش دیگر آن که مربوط به بعد از انقلاب می‌شود، توسط صداوسیما که یک نهاد حاکمیتی است حمایت می‌شد. حالا از این جهت هم ماجرا یک عقبگرد تاریخی دارد و صنعت دوبله به سمت بخش خصوصی بازگشته است.

■ چه بر سر دوبله ما آوردند؟

در گذشته، دوبله بیشتر برای سینما و تلویزیون انجام می‌شد اما امروزه با گسـترش پلتفرم‌های دیجیتـال، دوبله برای این پلتفرم‌ها هم انجام می‌شـود. دوبله در بعضی پلتفرم‌ها قوی و باکیفیت انجام می‌شود اما در مواردی دیگر، کیفیت کارها پایین‌تر است. یک مشکل دیگر که رفتن دوبله به سمت پلتفرم‌ها ایجاد کرده، کارهای همزمان چند پلتفرم رقیب و روی زمین ماندن تعدادی از آثار دیگر است که دوبله نشده‌اند. مشکل اصلی‌تر اما بیرون از پلتفرم‌ها و بیرون از سازمان صداوسیما به وجود آمده است؛ جایی که استودیوهای زیرزمینی و کوچک، دوبله‌هایی با کیفیت ضعیف عرضه کردند و باعث افت سطح کار دوبله در ایران شدند. این مساله تاکنون بارها مورد اعتراض دوبلورهای حرفه‌ای و قدیمی ایرانی هم قرار گرفته است. به عنوان مثال، تورج نصر چند سال پیش با عنوان کردن این نکته که انتخاب دوبلورهای جدید باید بر عهده انجمن گویندگان باشد، گفت: «گویندگان زیرزمینی که عضو انجمن هم نیستند، آمده‌اند و کارهایی را به بازار می‌دهند ولی کسی جلوی‌شان را نمی‌گیرد. هر کسی آمد و ادعا کرد که می‌تواند گوینده شود یا مدیر دوبلاژ باشد، به‌راحتی پذیرفته می‌شود. نخستین کسی که در این مسیر قدم برداشت آقای (مهرداد) رئیسی بود که تعدادی از جوان‌ها را آورد و با پول کم با آنها کارکرد و همان‌ها رفتند و استودیو زدند و همان‌ها تعلیم گویندگی زدند و قارچ‌گونه رشد کردند. متأسفانه کسی جلوی آنها را نتوانست بگیرد. واقعاً این اتفاق به دوبله و فرهنگ ایرانی لطمه زد». نصر این حرف‌ها را سال ۱۴۰۰ بیان کرده اما اگر به سال ۱۳۸۴ که نقطه آغازین بروز این مشکلات و از رمق افتادن دوبله قدیمی ایران بود برگردیم و اعتصاب صنف دوبلورها را به یاد بیاوریم، ریشه این مشکلات بیشتر خودش را نشان می‌دهد.

در آن ایام شهلا ناظریان می‌گفت: نبود امنیت شغلی برای دوبلورها، به این حرفه ضربه می‌زند و اشـاره می‌کرد که عده زیادی از دوبلورها در سن بازنشستگی قرار دارند، ولی به علت اینکه مشـمول قانون بازنشستگی نمی‌شوند، مجبور به ادامه کار هسـتند. سعید مظفری هم با اشاره به اعتصاب دوبلورها به منظور افزایش دسـتمزد می‌گفت: حدود ۱۸ دوبلور جدید از طریق آزمون وارد صداوسیما شده‌اند و به ما اصرار می‌شود به علت ارزان بودن از این افراد در دوبله اسـتفاده کنیم و این موجب شده بخش خصوصی به تبعیت از سیما تصمیم به تربیت گوینده جدید بگیرد.

شوکت حجت هم به این اشاره می‌کرد که نداشتن امنیت شغلی مهم‌ترین ضربه را به دوبله می‌زند. او می‌گفت گوینده‌های جدید قیمت‌ها را می‌شکنند و بعضی معیارهای اخلاق کاری تنزل پیدا می‌کند. وقتی درآمد پایین باشـد، گوینده مجبور می‌شود به جای انجام ۲ کار نیم‌ساعته، به حرف زدن روی ۴ کار نیم‌ساعته بپردازد. گوینده‌های جدید با دریافت دستمزد کمتری به کار می‌پردازند و قیمت‌ها شکسته می‌شود. علاوه بر آن خیلی راحت این نوع گوینده‌ها با صداهای مشابه را جایگزین دوبلورهای قدیمی می‌کنند که این نامردی در حق گویندگان باسابقه است. آنها با توجه به استرس و کاهش کیفیت آثار، به چه امیدی به فعالیت بپردازند؟

ولـی مهرداد رئیسـی که همان زمان مسـؤولیت انجمن گوینـدگان جوان تهران را بر عهده داشـت با انتقاد از گلایه بعضـی گویندگان درباره دستمزدشـان می‌گفت: به نظر من تمام دستمزدها منصفانه است و با توجه به بالا رفتن سرعت دوبله که نهایتا کار در ۲ روز انجام می‌شود، دستمزدها خیلی خوب هستند.

به طور کل این مهرداد رئیسی بود که با ارزان کردن، سریع کردن و بی‌کیفیت کردن کار دوبله در ایران توسـط گسترش فـرم زیرزمینـی این حرفه، به کیفیت کلـی کارها صدمه‌ای اساسـی زد. سـال‌ها گذشت تا در سـال ۱۴۰۱ او در دفاع از بعضی ناهنجاری‌های جنسی و لزوم کنار آوردن کودکان ایرانی با این موضوع صحبت کند و خانواده‌های ایرانی را بابت اینکه انیمیشن‌های دوبله شده توسط این فرد به دست‌شان برسد دچار نگرانی شوند. طی این مدت مهرداد رئیسی آمد و بزرگ‌ترین صدمه را به سطح فنی و کیفی هنر در در ایران زد و سرانجام خودش از ایران رفت.

■ آیا دوران دوبله به سر آمده؟

خیلی جالب است اگر بدانیم ایرانی‌ها بیشتر از اکثر مردم دنیا، فیلم و سریال خارجی می‌بینند. این را البته به‌مثابه یک زنگ خطر هم می‌توان در نظر گرفت. موسسه preply به عنوان یک بازار آنلاین آموزش زبان که معلمان را به صدها هزار زبان‌آموز در ۱۸۰ کشور سراسر جهان متصل می‌کند، تحقیقی درباره ضریب نفوذ دوبله و زیرنویس فیلم و سریال در کشورهای مختلف انجام داده که نتایج قابل توجهی دارد. طبق این تحقیق کشورهایی که بیشترین بیننده محتوای خارجی را دارند عبارتند از: مکزیک (۸۶ درصد)، ایران (۸۵ درصد)، برزیل (۸۰ درصد)، پاکسـتان (۷۹ درصد) و فیلیپین (۷۸ درصد).

از میان این کشورها، ایران تنها کشوری است که مخاطبانش زیرنویس را ترجیح می‌دهند، در حالی که ۴ کشور دیگر دوبله را ترجیح می‌دهند. جالب اینجاست که با وجود آموزش اجباری زبان انگلیسی در این کشورها، اکثر بینندگان همچنان محتوای دوبلـه را انتخاب می‌کنند. این نشـان می‌دهد این بینندگان ممکن است به جای یادگیری زبان بیشتر به محتوای خارجی برای سرگرمی یا علایق فرهنگی علاقه‌مند شوند، درحالی‌که بینندگان آمریکایی ممکن است مثلا از محتوای خارجی برای تکمیل درس اسـپانیایی خود استفاده کنند. یک نکته که به چرایی فهم این وضعیت کمک می‌کند، محاسبه میزان مصرف آثار ترکی و کره‌ای در میان نوجوانان ایرانی است. در حال حاضر ۱۱ درصد از حجم اینترنت ایران صرف مصرف تواهای مرتبط با موج کره‌ای می‌شود، در حالی که در رسانه‌ها بازتاب کمتری از این قضیه می‌بینیم و چندان به چشم نیامده است. مخزن مورد استفاده بسیاری از زیرنویس‌ها فیلم‌ها و سریال‌های ترکی و کره‌ای هستند. از سوی دیگر، رتبه‌بندی کشورها بر این اساس که مخاطبان کدام‌شان زیرنویس را بیشتر ترجیح می‌دهند عبارت اسـت از: روسیه (۸۶ درصد)، ایالات‌متحده (۷۶ درصد)، هند (۶۸ درصد)، ایران (۶۷ درصد) و چین (۶۶ درصد).

این موارد نشان می‌دهد در ایران امروز، توجه کمی به این شـده که نوع مصرف محتوای خارجی هم باید به شـیوه‌ای هوشمندانه مدیریت شود.

آخرین نظرسـنجی‌ها نشـان می‌دهد بـالای ۶۵ درصد آمریکایی‌ها حداقل یک بار در ماه از محصولات غیرانگلیسی‌زبان استفاده می‌کنند اما هنوز ۸۰ درصد از آنها زیرنویس را به دوبله ترجیح می‌دهند. در بعضی کشورهای دیگر مثل کره‌جنوبی هم زیرنویس به دوبله ترجیح داده می‌شود اما همه جا به این شکل نیسـت و چندین کشور دنیا هستند که صنعت دوبله بسیار قدرتمندی دارند. اگر دقیق نگاه کنیم دوبله در بسیاری از کشورهای جهان رونق زیادی دارد و در بعضی کشورها ندارد. این یعنی چنین صنعتی بسته به شرایط اجتماعی و وضعیت صنعت تولید فیلم و سـریال در هر کشـوری متفاوت است و الگوهای نزدیک‌تر به ایران آنهایی هسـتند که هنوز دوبله را جدی می‌گیرند. نگاه به وضعیت دوبله در چند کشور دنیا که مصرف‌کننده عمده محصولات فرهنگی هستند این قضیه را بهتر توضیح می‌دهد.

■ آلمان

صنعت دوبله آلمان، بزرگ‌ترین بازار در اروپاست. دوبله فیلم در کشورهای آلمانی‌زبان یک امر سنتی و رایج است. در آلمان به دلایلی زیرنویس به اندازه سایر کشورهای اروپایی پذیرفته نیست و استفاده نمی‌شود.

■ ایتالیا

در ایتالیا دوبله سیستماتیک است. این یک سنت است که به دهه ۱۹۳۰ در رم، میلان، فلورانس و تورین برمی‌گردد. رم پایگاه اصلی صنعت دوبله است. اینجاسـت که تولیدات مهمی مانند فیلم، سریال، مستند و کارتون دوبله می‌شـوند. صنعـت دوبله ایران هم با آموزش دوبلورهای ایرانی در ایتالیا آغاز به کار کرد.

■ اسپانیا

در اسـپانیا، برخـی بازیگـران دوبله به محبوبیت زیادی بـرای صدای خود دست یافته‌اند. بـه عنـوان مثال کنستا نتینو رومـرو (که د و بلـو ر کلینـت ایسـتو و د، دارث ویـدر، آرنولد شوارتزنگر در «ترمیناتـور» و بسـیاری مـوارد دیگـر اسـت) شـهرت ویـژه‌ای دارد. نمونـه دیگـر اسـکار مونـوز (Óscar Muñoz) اسـپانیایی است. در بسیاری جاها مانند کاتالونیا، باسک و گالاسیا، اکثر مخاطبان برنامه‌های خارجی دوبله شده به زبان خود را دارند. زبان آنها با اسپانیایی اروپایی متفاوت است.

■ برزیل

در برزیل تا سال ۲۰۱۲، دوبله عمدتا برای فیلم‌های کودکان بود و برای مخاطب بزرگسال زیرنویس‌ها رایج‌تر بودند. از آن زمان به بعد اما نسخه‌های دوبله شده هم برای همه سنین در دسترس قرار گرفت. درنتیجه در سال‌های اخیر سینماهای بیشتری در برزیل افتتاح شده و همین باعث جذب مخاطبان جدیدی به سینماهایی شده که فیلم‌های دوبله را نمایش می‌دهند.

■ چین

استودیوی دوبله فیلم شانگهای شناخته‌شده‌ترین استودیو در صنعت دوبله فیلم در چین است. به‌منظور تولید محصولات با کیفیت بالا، آنها هر فیلم را به بخش‌های کوتاه تقسیم می‌کنند که هر کدام فقط چند دقیقه طول دارد و سپس روی بخش‌ها یک به یک کار می‌شود. آنها علاوه بر معنای صحیح در ترجمه، تلاش زیادی برای تطبیق لب‌های بازیگران با دیالوگ انجام می‌دهند.

■ هند

در هند، جایـی که «فیلم‌های خارجی» تقریبا مترادف با «فیلم‌های هالیوودی» هستند، دوبله بیشتر به ۳ زبان هندی انجام می‌شود که شامل «هندی معیار»، «تامیل» و «تلوگو» می‌شود. دوبله فیلم‌های خارجی به‌ندرت با سایر زبان‌های اصلی هند، یعنی مالایایی و بنگالی انجام می‌شود. این به دلیل نرخ بالای سواد در میان جمعیتی است که به این زبان‌ها صحبت می‌کنند و می‌توانند زیرنویس بخوانند. شهرها و سکونتگاه‌های سطح پایین در ایالت‌هایی که ضریب نفوذ انگلیسی در آنها کم است، بیشتر فیلم‌ها را با دوبله می‌بینند ولی در مناطق شهری اغلب نسخه‌های اصلی انگلیسی‌زبان منتشر می‌شوند.

■ سوریه

کسانی که با صنعت سریال‌سازی عربی، چیزی که بیشتر بر نمایش‌های آغازشونده در ماه رمضان متمرکز است آشنا هستند، می‌دانند سوریه در کنار مصر از این لحاظ جزو سرآمدان جهان عرب اسـت. سوری‌ها اما از یک لحاظ نسبت به مصری‌ها هم برتری پیدا کرده‌اند که همان دوبله است. محبوبیت سریال‌های ترکیه که پس از آمریکا دومین صنعت سریال‌سازی دنیا را دارد، باعث شـده سوری‌ها از طریق دوبله این آثار، باقی اعراب را به لهجه خودشان عادت دهند و در ادامه بتوانند مخاطبان بیشتری را به سریال‌های خودشان جذب کنند.

صدایی که خاموش شد اما در خاطره‌ها جاودانه ماند

آوای والی

بنیا ابراهیم‌نژاد

یکی از اسطوره‌های بی‌بدیل هنر دوبله و صداپیشگی ایـران، منوچهر والی‌زاده، مردی کـه با صدای گرم، صمیمی و پرصلابتش، جان تازه‌ای به شخصیت‌های پرشمار سینما و تلویزیون بخشید، روز گذشته در ۸۴ سـالگی دیده از جهان فرو بست. او که با هنرنمایی در دوبله شخصیت‌هایی همچون لوک خوش‌شانس، مایکل اسکافیلد در مجموعه «فرار از زندان» و بسیاری از نقش‌های ماندگار دیگر، در خاطره‌ها جاودانه شد، پس از بیش از یک ماه بستری در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان، دار فانی را وداع گفت. خاموشی او، پایانی است بر یکی از پرطنین‌ترین صداهای تاریخ دوبله ایران، اما پژواک هنرش، همچنان در گوش‌ها جاری خواهد ماند.

■ تولد و کودکی؛ طنین اولین واژه‌ها

منوچهر والی‌زاده سال ۱۳۱۹ در تهران دیده به جهان گشود. از همان کودکی، علاقه وافری به هنر، صدا و نمایش داشت. در خانواده‌ای هنردوست پرورش یافت و در میان کوچه‌های پُرهیاهوی تهران، رویای گویندگی و صداپیشگی در ذهنش جوانه زد. صدای پرطنین و بیان شـیرینش، از همان دوران نوجوانی، نوید ظهور استعدادی یگانه در عرصه دوبله ایران را می‌داد.

■ آغاز فعالیت هنری؛ از رادیو تا پرده نقره‌ای

سـال ۱۳۳۷ در ۱۸ سالگی، نخستین گام‌های خود را در دنیای هنر برداشت. منصور متین، که از چهره‌های سرشناس آن دوران بود، استعداد والی‌زاده را کشـف و او را به رادیو معرفی کرد. صدای منحصربه‌فرد و لحن گیرای او، به‌سـرعت مورد توجه قرار گرفت و در مدت کوتاهی، از یک تازه‌وارد ساده به یکی از گویندگان برجسته رادیو تبدیل شد. اما این تنها آغاز راه بود. والی‌زاده نمی‌خواست در چارچوب رادیو محصور بماند؛ دنیای سینما و دوبله، با تمام جادویش، او را فرا می‌خواند.

■ ورود به دنیای دوبله؛ صدایی برای تمام نسل‌ها

دهه ۱۳۴۰، آغازگر فصل نوینی در زندگی حرفه‌ای والی‌زاده بود. او با ورود به عرصه دوبله، توانست با صدای خاص و منعطف خود، به شـخصیت‌های ماندگار سـینمایی و تلویزیونی جان ببخشد. «لوک خوش‌شانس» با آن خنده‌های خاص و لحن شوخ‌طبعانه‌اش، در ذهن‌ها ماندگار شد اما شاهکار اصلی او، مایکل اسکافیلد در سریال محبوب «فرار از زندان» بود. با هر جمله، هر دیالوگ، هر نجوا، صدایش از مرزهای یک دوبله فراتر رفت و با روح مخاطبان پیوند خورد.

■ نقش‌های ماندگار؛ طنین جاودان صدا

والی‌زاده در طول ۶ دهه فعالیت، در بیش از ۱۰۰۰ فیلم و سـریال، جای بازیگران بزرگی همچون تام هنکس، جان تراولتا، تام کروز، هریسون فورد، نیکلاس کیج، جیسون استاتهام، جیم کری، ویل اسمیت، ادی مورفی، رابرت واگنر و الویس پریسلی صداپیشـگی کرد. او تنها یک دوبلـور نبود، بلکه یک آفریننده شـخصیت بود. چنان صدا را با حس و جان درمی‌آمیخـت که گویی بازیگر نقش را نه در تصویر، بلکه در صدایش می‌توان دید.

■ بیماری و درگذشت؛ سکوتی که طنینش باقی است

در ماه‌های پایانی عمر، والی‌زاده با مشکلات تنفسی و ریوی دست‌وپنجه نرم می‌کرد. صدایی که سال‌ها بدون لرزش، پرطنین و مقتدر بود، به‌تدریج آهسته‌تر و خسته‌تر شد. بیش از یک ماه در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان بستری بود اما سرانجام چهارشنبه اول اسفند ۱۴۰۳، در ۸۴ سالگی، چشم از جهان فرو بست.

■ میراث هنری؛ صداهایی که خاموش نمی‌شوند

صدای منوچهر والی‌زاده، بخشی جدایی‌ناپذیر از خاطرات چند نسل ایرانیان است. او نه‌تنها در دوبله، بلکه در تعلیم و پرورش نسل‌های جدید دوبله نیز نقشی بی‌بدیل داشـت. بسیاری از صداپیشگان جوان، شـاگردان مکتب او بودند و راز هنر دوبله را از او آموختند. هرچند دیروز حنجره‌ای که هزاران شخصیت را جان بخشید خاموش شد، اما پژواک صدای او در گوش‌های نسل‌ها باقی خواهد ماند.

■ تکمله؛ در ستایش صدایی که تنها صدا نبود

در روزگاری که هنر دوبله بیش از همیشه نیازمند صداهایی است که با احساس و عمق، به شـخصیت‌ها جان ببخشـند، نام منوچهر والی‌زاده همچون ستاره‌ای درخشـان، در آسـمان هنر ایران خواهد ماند. او نشان داد که صدا، تنها واژه‌ها را انتقال نمی‌دهد، بلکه می‌تواند احساس، زندگی و هویت ببخشد. او رفت اما همچنان در خاطره‌ها زنده است.

یادش گرامی و راهش پررهرو باد.